



Paying compensation to the victim in unintentional crimes causes a ransom by looking at French jurisprudence and law

Mostafa Kafi¹, Mohsen Shekarchizadeh^{2*}, Ahmadreza Tavakoli³

1. Ph.D Student In Criminal Law & Criminology, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 91-113

Article history:

Received: 6 Oct 2021

Edition: 18 Dec 2021

Accepted: 31 Jan 2022

Published online: 26 Mar 2022

Keywords:

Diyat, Compensation, Victim, Differential Criminal Policy

Corresponding Author:

Mohsen Shekarchizadeh

Address:

Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-8769-9798

Tel:

031-42292929

Email:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Paying attention to the rights of victims from the perspective of compensation for material damages in unintentional crimes causes the need for a differential criminal policy. The purpose of this study is to investigate the payment of compensation to the victim in unintentional crimes with a look at Islamic jurisprudence and French law.

Materials and Methods: The present research is theoretical and the research method is descriptive-analytical with reference to documentary and library sources.

Ethical considerations: Observance of fidelity, scientific and accurate referral and citation of authentic legal sources are the basis of this research.

Results: In recent years, the approach of all legislators has been to increase the role of the victim in the criminal justice system, one of the examples of which is compensation for unintentional crimes. However, respect for the rights of those accused of these crimes, who in fact have no criminal intent, calls for the presentation of a differentiated criminal policy from the trial process to the execution of the lawsuit.

Conclusion: Just as in the legal system of some countries, such as France, the Compensation Commission pays a portion of the compensation to the competent authority before the commencement of the case, the Iranian criminal policy is based on a strategic formulation. Similar to unintentional crimes with the subject of blood money. Using the capacity of the Personal Injury Insurance Fund is one of the solutions.

Cite this article as:

Kafi M, Shekarchizadeh M, Tavakoli A. Paying compensation to the victim in unintentional crimes causes a ransom by looking at French jurisprudence and law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(1):91-113.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

پرداخت غرامت به بزه‌دیده در جرایم غیر عمد موجب دیه با نگاهی به فقه و حقوق فرانسه

مصطفی کافی^۱، محسن شکرچی‌زاده^{۲*}، احمد رضا توکلی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: توجه به حقوق بزه‌دیده از منظر جبران خسارت مادی در جرایم غیر عمد موجب دیه نیازمند تدوین سیاست جنایی افتراقی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی پرداخت غرامت به بزه‌دیده در جرایم غیر عمد با نگاهی به فقه اسلام و حقوق فرانسه است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع نظری و روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: رعایت امانت‌داری، ارجاع‌دهی علمی و دقیق و استناد به منابع اصیل حقوقی مبنای انجام پژوهش حاضر است.

یافته‌ها: در سال‌های اخیر رویکرد همه قانون‌گذاران بر افزایش نقش بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری قرار گرفته که یکی از مصادیق آن جبران خسارت وی در جنایات غیر عمدی است. هر چند رعایت حقوق متهمین این جرایم که در واقع فاقد سوءنیت مجرمانه هستند ارائه سیاست جنایی افتراقی از فرایند دادرسی تا اجرای دادنامه را خواهان است.

نتیجه: آنگونه که در نظام حقوقی برخی از کشورها مانند فرانسه، کمیسیون جبران خسارت بزه‌دیده قبل از شروع رسیدگی به اصل پرونده در مرجع صالح، قسمتی از غرامت را بصورت علی‌الحساب به او پرداخت می‌کند، سیاست جنایی ایران نیز بر تدوین راهبردی مشابه در جنایات غیر عمد با موضوع دیه قرار گیرد. استفاده از ظرفیت صندوق تأمین خسارت بدنی یکی از راهکارها است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۱-۱۱۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

واژگان کلیدی:

دیه، جبران خسارت، بزه‌دیده، سیاست جنایی افتراقی.

نویسنده مسوول:

محسن شکرچی‌زاده

آدرس پستی:

ایران، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، گروه حقوق.

تلفن:

۰۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

کد ارکید:

0000-0001-8769-9798

پست الکترونیک:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۱. مقدمه

اخیرالتصویب کافی نیست، موثر واقع شود که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

حالی است که فرایند رسیدگی فعلی به این دعاوی به نحوی است که در اکثر موارد نه تنها حقوق متهم بلکه حقوق بزه‌دیده (مدعی خصوصی) از حیث جبران خسارت به طور کامل اجرا نمی‌گردد. زیرا هرچند در ماهیت دیه در بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظرهای اساسی وجود دارد اما آنچه با اصول حقوقی منطبق بوده و به صواب نیز نزدیک‌تر می‌باشد آن است که دیه خصوصاً در جرایم غیر عمد ماهیتی مستقل (و نه حقوقی و کیفری خاص) داشته و در مصادیق بیان شده به دلیل عدم وجود سوءنیت مجرمانه مرتکب در ایراد صدمه بدنی، اطلاق عنوان مجرم و اعمال ضوابط تعیین شده یکسان در مرحله تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور رأی و اجرای دادنامه همانند مجرمین سایر جرایم منجر به تضییع حقوق اساسی متهم و اصابت بر چسب بزه‌کار بر مرتکبین این قسم از رفتارها که اکثراً از موقعیت اجتماعی مناسبی برخوردارند می‌گردد. از سوی دیگر موکول شدن جبران خسارات وارده به بزه‌دیده به اتمام فرایند زمانبر دادرسی نتیجه‌ای جز تضییع حقوق بزه‌دیده را به دنبال ندارد. این در حالی است که ظرفیت‌های فعلی نهادهای کشور و همچنین افزایش توجه مقنن به جایگاه بزه‌دیدگان جرایم غیر عمد در دادگری کیفری و الگوپذیری از سازوکارهای تعیین شده در نظام‌های حقوقی معتبر دنیا مانند حقوق فرانسه و تدوین سیاست جنایی افتراقی می‌تواند در بهبود وضعیت فعلی که علی‌رغم تغییرات محسوس صورت گرفته در قوانین شکلی و ماهوی

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع نظری و کیفی است. با توجه به نوع پژوهش، پژوهشگر از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده نموده است. گردآوری مطالب نیز با بررسی منابع حقوقی و جنایی مرتبط با جرایم صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

انجام پژوهش حاضر با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی در زمینه انجام امور پژوهشی صورت گرفته است. نگارنده با رعایت اصل امانت‌داری، ارجاع‌دهی دقیق و علمی و همچنین رعایت استناد به منابع مختلف، نسبت به جمع‌آوری و نگارش مطالب مربوط به پژوهش اقدام نموده است.

۴. یافته‌ها

در فرانسه جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم در غالب پرداخت غرامت انجام می‌گیرد. مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اشخاصی که به طور مستقیم از جرم آسیب و ضرر دیده‌اند حق اقامه دعوی خصوصی برای جبران زیان ناشی از آن را خواهند داشت. بزه‌دیده بر اساس جایگاه خود به عنوان مدعی خصوصی گاهی در همان جلسه دادرسی خواستار غراماتی می‌شود که هدف مستقیم آن مجازات بزه‌کار نیست بلکه مقصود او جبران خسارتی است که متحمل شده است. و چنانچه مدعی خصوصی وفق مقررات فراخوانده

باز می‌گردد، بلکه با این واقعیت پیوند می‌خورد که اگر حقوق جنایی به نقش و جایگاه بزه‌دیدگان توجه نکند نمی‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند و کارایی لازم را در مقابل جرم داشته باشد.

۵-۱. رویکرد قانون‌گذار در افزایش نقش

بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری ایران

از نیمه سده بیستم به این سو سیاست جنایی به منزله تلاقی آموزه‌های حقوق جنایی و نظریه‌های جرم‌شناختی، با در نظر گرفتن حقوق بزه‌دیدگان در کنار حق‌های متهمان و نمایاندن جنبه‌های گوناگون حمایت از بزه‌دیدگان در چارچوب فرایند دادگری جنایی، همواره در هدف پیشگیری از جرم نقش داشته است. بزه‌دیده‌شناسی نیز بر پایه یک رهیافت نوآورانه، که می‌توان از آن به بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یاد کرد این هدف را در پیشگیری از بزه‌دیدگی-بزه‌دیده‌سازی جست و جو می‌کند و به منظور حمایت از بزه‌دیدگان، به خدمت سیاست جنایی در آمده است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ۷۳). از این رو از دهه گذشته تاکنون بزه‌دیده‌شناسی به عنوان یکی از متغیرهای مهم در تدوین سیاست جنایی کارآمد مورد توجه همه نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد در برخی از نظام‌های نزدیک به حقوق رومنی-ژرمنی در مقایسه با نظام‌های کیفری نزدیک به کامن‌لا، بزه‌دیدگان رضایت بیشتری از نظام عدالت کیفری دارند زیرا در این نظام‌ها بزه‌دیدگان نقش فعال‌تری در فرایند کیفری دارند، در نظام کیفری آلمان و فرانسه

شود و در جلسه دادگاه حاضر نشود چنین فرض می‌گردد که از اقامه دعوی خصوصی خود صرف نظر کرده و در این صورت دادگاه فقط در مورد دعوی عمومی اظهار نظر می‌نماید. در هر حال جبران خسارت بزه‌دیده در نظام حقوقی و سیاست جنایی فرانسه در چند دوره قانون‌گذاری قابل بررسی خواهد بود:

(الف) قانون آیین دادرسی مصوب ۱۹۷۷ با اصلاحات بعدی.

(ب) کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرایم خشونت بار در سال ۱۹۸۳.

(ج) قانون جبران خسارت از جرایم تروریستی در سال ۱۹۸۰.

(د) قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ در خصوص بهبود وضعیت قربانیان حوادث رانندگی و تسریع روند پرداخت غرامت به قربانیان.

هرچند اصل کلی در مسئولیت بزهکار در پرداخت خسارت کامل به بزه‌دیده است اما آنچنان که خواهیم دید در مواردی که متهم قابل شناسایی نباشد یا معسر از پرداخت خسارت گردد، ظرفیت‌های دیگری برای پرداخت خسارات زیان‌دیده در قوانین این کشور وجود دارد.

۵. بحث

یکی از ویژگی‌های برجسته آموزه‌ها و نظریه‌های علوم جنایی در چند دهه گذشته، افزایش توجه به جایگاه بزه‌دیدگان در دادگری جنایی بوده است این نگرش نه تنها به دگرگونی اندیشه‌ها از رویکرد فلسفی-حقوقی به رهیافتی اجتماعی-جرم‌شناختی

بزه‌دیده می‌تواند به عنوان تعقیب‌کننده فرعی وارد دعوی شده یا در خواست مطالبه ضرر و زیان نماید (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۲، ۱۸۹).

۵-۱-۱. تعریف بزه‌دیده

واژه بزه‌دیده (برابر اصطلاح انگلیسی crime victim) به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان می‌بیند. در نوشتگان فارسی نیز واژه (قربانی) در برابر آن بکار می‌رود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ۸۶) ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تعریف بزه‌دیده مقرر می‌دارد: بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، (شاکلی) و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند (مدعی خصوصی) نامیده می‌شود.

۵-۲. جلوه‌هایی از افزایش نقش بزه‌دیده در

قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان مهمترین قانون کیفری ماهوی ایران متأثر از اصول و اندیشه‌های بزه‌دیده‌شناسی در سیاست جنایی قرار گرفته که حکایت از توجه بیشتر مقنن به نقش بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری دارد و در ادامه جلوه‌هایی از آن بین می‌شود.

۵-۲-۱. صلاحیت شخصی بزه‌دیده مدار

تا قبل از تصویب قانون اخیر در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اصل صلاحیت

شخصی بزهکارمدار به عنوان معیار تشخیص صلاحیت مراجع قضایی ایران در رسیدگی به جرایم قرار گرفته بود و بزه‌دیده نقش مؤثری را در قواعد صلاحیت به خود اختصاص نداده بود اما در قانون مجازات اسلامی جدید بزه‌دیده به عنوان یکی از موارد توسعه قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان پذیرفته شده آنچنان که علاوه بر موارد ذکر شده در ماده ۵، مطابق ماده ۸ قانون مذکور هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی مرتکب جرم شود وفق ضوابط طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود.

۵-۲-۲. کیفرزدایی در راستای حمایت از

بزه‌دیده

هرچند سیاست جنایی قانون‌گذار بر کاهش صدور حکم و اجرای مجازات قرار گرفته که این موضوع ملهم از آموزه‌های عدالت ترمیمی و در غالب تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس در قانون تعریف گردیده است لکن این مهم به معنای عدم توجه به حقوق بزه‌دیده نمی‌باشد به عبارت دیگر یکی از شروط اساسی بهرمندی بزهکار از تخفیف یا معافیت‌های مذکور توجه به حقوق بزه‌دیده می‌باشد به عنوان مثال مطابق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط اصلی تعویق صدور حکم جبران ضرر و زیان بزه‌دیده یا برقراری ترتیبات جبران آن است و این اصل به عنوان یکی از شرایط تعلیق اجرای مجازات و بهرمندی

بنیادی جبران برای بزه‌دیدگان را که در قانون اساسی نیز به رسمیت شناخته شده بیان می‌کند در این ماده راهکارهایی برای چگونگی اعاده حیثیت زیان‌دیده یا بزه‌دیده معرفی می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ۸۸).

پژوهش‌های مربوط به ساختار جبران خسارت‌های دولتی در دهه هفتاد و هشتاد نشان داده‌اند که در برخی از ایالت‌های آمریکا تنها یک درصد از بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار در عمل از مزایای این طرح بهره‌مند شده‌اند، به طور کلی شرایط جبران دولتی خسارات وارده بر بزه‌دیدگان به چهار حوزه تقسیم می‌شود:

الف) شرایط مربوط به خسارت

ب) شرایط مربوط به جرم

ج) شرایط مربوط به بزه‌دیده

د) شرایط مربوط به بزهکار (فرجیها و بازیار، ۱۳۹۰، ۱۳۹)

۵-۳. جلوه‌هایی از افزایش نقش بزه‌دیده در

قانون آیین دادرسی کیفری

با توجه به اینکه فرایند رسیدگی‌های کیفری در سه مرحله تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم قرار می‌گیرد، حمایت و نقش بزه‌دیده نیز در هر یک از سه مرحله حائز اهمیت خواهد بود که در ادامه برخی از مصادیق آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌گردد.

بزه‌دیده از نظام آزادی مشروط و همچنین امکان تعیین مجازات‌های جایگزین حبس نیز می‌باشد. در حقوق فرانسه نیز جبران خسارت بزه‌دیده می‌تواند موجبات معافیت از مجازات یا تعویق در صدور حکم را فراهم نماید. به عنوان مثال، مطابق ماده ۵۸-۱۳۲ قانون جزای فرانسه در مورد جنحه و خلاف، دادگاه می‌تواند پس از اعلام مجرمیت، متهم را از هر مجازاتی معاف کند. اما اعمال آن منوط به احراز شرایطی است که یکی از آنها جبران خسارت وارده بر مجنی‌علیه می‌باشد. مطابق ماده ۵۹-۱۳۲ قانون مذکور شرایط زیر باید توسط قاضی صادرکننده حکم معافیت از مجازات احراز شود:

الف) بازپذیری اجتماعی و اصلاح بزهکار.

ب) قطع و جبران صدمه‌ی وارد بر نظم عمومی ناشی از جرم ارتكابی.

ج) جبران خسارت وارد بر مجنی‌علیه (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷، ۷۵۱).

۵-۲-۳. جبران خسارت از گذر پرداخت

غرامت دولتی به بزه‌دیده

مطابق ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، حکم به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی و اجرای آن حیب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود در صورتی که از عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود. این ماده یکی از مهمترین جنبه‌های حق

۵-۳-۱. جبران خسارت بزه‌دیده

ضرورت جبران خسارت بزه‌دیده از آموزه‌های نظریه عدالت ترمیمی و از اهداف عدالت کیفری است. مهمترین دغدغه خاطر بزه‌دیدگان جرائم، پیش از آنکه اجرای مجازات بزه‌کار باشد جبران خساراتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌اند به همین جهت، جبران خسارت بزه‌دیده نقش بسیار مهمی را در سیاست جنایی داراست و متولیان و مقامات مسئول همواره می‌کوشند برای تحقق آن از سایر ابزارهای سیاست جنایی استفاده بهینه‌ای بکنند (فرهمنده، ۱۳۹۶، ۱۱۶).

به طور کلی جبران خسارت به واسطه ارتکاب بزه بر عهده بزه‌کار خواهد بود لکن در مواردی ذمه دولت و اشخاص دیگر مانند شرکت‌های بیمه و یا بستگان و وراثت بزه‌کار (آنگونه که در ماده ۵۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است) نیز به پرداخت خسارت بزه‌دیده مشغول می‌گردد. در جای‌جای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ لزوم جبران خسارت بزه‌دیده مورد تأکید قرار گرفته است. ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود، نخست دعوی عمومی برای حفظ حقوق جامعه و نظم عمومی، دوم دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است از این رو مطابق ماده ۱۴ قانون مذکور: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الوصول ناشی از جرم را مطالبه کند. دادگاه نیز مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان

مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند (ماده ۱۷) ضمانت اجرای دقیق و سریع این حق نیز از طریق صدور قرار تأمین خواسته موضوع ماده ۱۰۷ و صدور قرارهای تأمین کیفری موضوع ماده ۲۱۷ قانون موصوف و امکان پرداخت خسارات از مبلغ وجه التزام و وجه الکفاله و وثیقه در مواد دیگر پیش‌بینی شده است.

۵-۳-۲. حمایت از بزه‌دیده در مقابل

تهدیدات

تأمین امنیت و حمایت از هویت و حفاظت فیزیکی بزه‌دیده به عنوان یکی از حقوق وی در قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است. این حمایت به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا در بدو تعقیب کیفری، بزه‌دیده و تعرض به تمامیت جسمانی او می‌تواند شروع و ادامه دادرسی را با مشکل مواجه سازد (آنسل، ۱۳۷۵، ۱۹؛ آشوری و خدادی، ۱۳۹۰، ۱۹). از این رو مطابق ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری افضاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده توسط ضابطین دادگستری ممنوع گردیده. مطابق ماده ۹۷ این قانون، بازپرس نیز به منظور حمایت از بزه‌دیده یا خانواده وی در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطین دستور می‌دهد. بدیهی است در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را

راستای آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است
(خالقی، ۱۳۹۳، ۲۹۸).

۴-۵. رویکرد حقوق کیفری ایران در نحوه جبران خسارت در جنایات غیر عمد

همانطور که بیان شد مطالعات بزه‌دیده‌شناسی باعث شده است که از نظر سیاست جنایی، مسأله ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیدگان یا خسارت‌زدایی از آنها مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد (نجفی ابرندآبدی و بیکی، ۱۳۹۵، ۲۸۸). در نظام حقوق کنونی رویکرد حقوق کیفری ایران در شیوه جبران خسارت در جنایات غیر عمد به تأسی از متون و منابع فقهی در دو قالب پرداخت دیه و ارزش قرار می‌گیرد. در حقوق اسلام نظام جبران خسارت‌های بدنی از نظام جبران خسارت‌های مالی جدا گردیده و برای آن مقررات خاصی وضع شده است. نظام جبران خسارت‌های مادی را در قواعد اتلاف، تسبیب و غضب مورد بحث قرار گرفته است و ضوابط جبران خسارت بدنی نیز با عنوان‌های دیه، ارزش و (حکومت عدل) مطرح شده است (بادینی، ۱۳۹۲، ۳۲۲).

۵-۵. دیه (مقدر)

دیه کلمه‌ای است عربی، در قاموس قرآن در تعریف دیه آمده است: دیه در اصل ودی است و او آن به هاء بدل شده علت تسمیه خون‌بها به دیه آن است که دیه در مقابل ریختن و جاری شدن خون پرداخته می‌شود. طبرسی می‌گوید: وادی کرانه کوه است، مجرای بزرگ آب را نیز وادی گویند. و آن در

به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ می‌کند (ماده ۱۰۱ قانون موصوف)، اهمیت این موضوع تا جایی که مطابق بند (پ) از ماده ۲۳۸ همین قانون به خطر افتادن جان شاکی به عنوان یکی از موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت برای متهم، شناخته شده است.

۵-۳-۳. حمایت از بزه‌دیده با تعیین وکیل

در هر جامعه‌ای بزه‌دیدگانی وجود دارند که به لحاظ اقتصادی نمی‌توانند از حق داشتن وکیل برخوردار شوند از این رو ضروری است که ترتیبی اتخاذ گردد که امکان بهره‌مندی ایشان از معاضدت‌های قضایی و استفاده از وکیل فراهم شود، قانون‌گذار حق بهره‌مندی بزه‌کار از داشتن وکیل را به رسمیت شناخته و در صورت عدم تمکن وی نسبت به تعیین وکیل برای وی اقدام و حق الوکاله وی را نیز از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود، اما نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در استفاده از این حق برای بزه‌دیده است. مطابق تبصره ماده ۳۴۷ قانون مذکور، هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده (۳۴۷) اقدام می‌کند. واضح است که حضور بزه‌دیده در فرایند کیفری به دلیل شکایت او و احیاناً مطالبه ضرر و زیان است و تکلیف دادگاه به تعیین وکیل برای شاکی یا مدعی خصوص بر طبق تبصره ماده، حکمی بی‌سابقه و در

اصل بزرگی امر است و خون‌بها را از آن دیه گویند که عطائی است در مقابل امر عظیم یعنی قتل (قریشی، ۱۴۱۲، ۱۹۵). در روایات و کلام عرب، کلمه عقل نیز به جای دیه به کار رفته است و عقل به معنای منع و نهی است و دلیل اینکه دیه را عقل نام نهاده‌اند آن است که وضع دیه مانع می‌شود که مردم همدیگر را به قتل برسانند. معنای دیگر عقل، بستن زانوی شتر است و علت اینکه به دیه نیز عقل می‌گویند آن است که در زمان جاهلیت، برای خون‌بها فقط دیه پرداخت می‌شد و اقوام قاتل شب هنگام شترانی را نزدیک خانه اولیای مقتول می‌بردند و زانوی شتران را در آنجا می‌بستند و صبح که اولیای مقتول از خانه خارج می‌شدند شتران زانو بسته را در کنار خانه خود می‌دیدند (زراعت، ۱۳۸۱، ۲۷) لفظ دیه در قرآن مجید در آیه ۹۲ سوره نساء آمده که پرداخت آن در قتل خطایی بر عهده قاتل قرار گرفته است. اما در اصطلاح؛ صاحب کتاب ریاض‌المسائل و امام خمینی در تحریرالوسیله در تعریف دیه می‌گویند: هی: المال الواجب بالجناية على الحرّ في نفس أو ما دونها (حائری، ۱۴۱۸، ۳۴۳). صاحب کتاب جواهر نیز در تعریف دیه می‌گوید: المراد بها هنا المال الواجب بالجناية على الحرّ في النفس أو ما دونها سواء كان له مقدر أو لا وإن كان ربما اختصت بالأول و الثانی بالأرش و الحكومة (نجفی، ۱۴۰۴، ۲)، یعنی «دیه»، مالی است که به جنایت بر حرّ در نفس یا پایین‌تر از آن، واجب می‌شود، چه مقدر باشد یا نه. و چه بسا غیرمقدّر، به ارش و حکومت، و مقدر، به دیه نامیده می‌شود. آیت الله خویی نیز

در تعریف دیه آورده است: الدیة: هی المال المفروض فی الجنایة علی النفس أو الطرف أو الجرح أو نحو ذلك (خویی، ۱۴۱۰، ۹۵)، برخی نیز با اضافه نمودن واژه غرامت در تعریف دیه بیان داشته‌اند: دیه، غرامت مالیة شرعت کجزاء علی ارتکاب الجنایة (ایروانی، ۱۴۲۷، ۳۳۵)، آیت الله فیاض نیز در تعریف دیه می‌گوید: دیه، عبارت است از مالی که از حیث مقدار و کیفیت در شرع معین گردیده و به سبب جنایت بر جان یا عضو یا به واسطه جراحت و مانند اینها، واجب می‌شود (کابلی، ۱۴۲۶، ۷۱۰).

مطابق ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایات غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است. موارد دیه کامل و مقدار آن در مقررات شرع تعیین شده است (ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰) دیه کامل مرد مسلمان یکی از این امور شش‌گانه بود که بزهدار در انتخاب یکی از آنها مخیر می‌گشت و این امور عبارت بود از: ۱- یک‌صد شتر سالم و بدون عیب، ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب، ۳- یک‌هزار گوسفند سالم و بدون عیب، ۴- دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن، ۵- یک‌هزار دینار مسکوک سالم، ۶- دهم درهم مسکوک سالم، که سایر شرایط آن نیز در قانون مقرر گردیده بود، لکن در حال حاضر به موجب ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ میزان دیه در ابتدای هر سال توسط رئیس

قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می‌شود با این وصف در حال حاضر بحث از انتخاب یکی از موارد شش‌گانه مقرر در متون فقهی توسط بزه‌دیده، بزه‌کار و یا دادگاه فاقد وجهت قانونی است.

در خصوص اینکه پرداخت دیه از حیث مسئولیت کیفری و یا ضمان و مسئولیت مدنی صورت می‌گیرد در بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر اساسی وجود دارد بدین نحو که برخی دیه را در ماهیت از جمله مجازات‌ها دانسته و برخی نیز ماهیت دیه را خسارت و مانند سایر دیون می‌دانند و در نهایت برخی بر این باورند که دیه عنوان مستقلی است که به لحاظ مورد به یکی شبیه‌تر می‌شود. اما در ارزیابی نظریات ارائه شده و نتیجه‌گیری از آن چنین به نظر می‌رسد که، مجازات و بازدارندگی تنها مختص به حقوق کیفری نیست و هدف جبران خسارت نیز همیشه از طریق حقوق خصوصی دنبال نمی‌شود. در مواردی که دیه از بیت‌المال یا عاقله جبران می‌شود، هدف آن جبران خسارت است اما در این موارد دیه نه جزء حقوق مدنی است و نه حقوق کیفری، بلکه نوع ابتدایی از تأمین اجتماعی که در قلمرو حقوق عمومی قرار دارد و مبنای آن عدالت توزیعی است. در سایر موارد که واردکننده زیان شخصاً مسئول پرداخت است، دیه جزء حقوق خصوصی است و دارای دو هدف است:

الف) جبران خسارت زیان‌دیده

ب) مجازات واردکننده زیان و بازداشتن وی و دیگران از تکرار فعل زیان‌بار در آینده، زیرا بر خلاف آنچه معمولاً گمان می‌شود.

هدف مسئولیت مدنی تنها جبران خسارت نیست و همواره بازدارندگی و مجازات جزو اهداف مهم مسئولیت مدنی بوده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. اختلاط حقوق اسلام با حقوق جدید سبب شده است تا برخی از موضوعات در جایگاه مناسب خود مطرح نشوند این وضعیت در قانون مجازات اسلامی بیشتر نمایان است. دیه نیز جزء این موضوعات است که به دلایل زیر ماهیت کیفری ندارد و مربوط به حقوق شهروندان و حقوق خصوصی یا حقوق عمومی بطور کلی است.

ضمانت اجرای کیفری، واکنش دولت به جرم است در حالی که دیه حقی است که یا در نتیجه رابطه متقابل زیانبار ناعادلانه بین واردکننده زیان و زیان‌دیده در عالم خارج برای وی یا بازماندگانش به وجود می‌آید و در صدد برقراری عدالت بین افراد در روابط خصوصی است و یا بر اساس مقتضیات عدالت توزیعی و معیارهای حاکم بر توزیع در حقوق عمومی به افراد تعلق می‌گیرد و در صدد برقراری عدالت اجتماعی و باز توزیع ثروت و منابع در جامعه است. به دلیل اینکه دیه حقی برای افراد است، نه نوعی ضمانت اجرای کیفری، درخواست دیه منوط به تقاضای دارندگان چنین حقی است و آنان می‌توانند آن را اسقاط و یا با واردکننده زیان مصالحه کنند. این که دیه ماهیت کیفری ندارد، به این معنی نیست که ضمانت اجرای ایراد صدمه بدنی تنها پرداخت دیه است. بلکه قانون‌گذار

باشد. و بدیهی است چنانچه دیه بطور قطع دارای ماهیت کیفری می‌بود اصولاً امکان مطالبه آن از دادگاه حقوقی میسر نمی‌گشت. نتیجه آنکه با توجه تعریف لغوی و اصطلاحی از دیه و ویژگی‌ها و خصائص و محل اعمال آن که همانطور که گذشت در ایراد زیان غیر عمدی است (که در واقع به لحاظ عدم تحقق رکن معنوی در تمامی این موارد ارتکاب بزه منتفی و بزه‌کار نامیدن مرتکب چنین رفتاری نیز ناصواب است)، دیه فاقد ماهیت کیفری بوده فلذا به نظر می‌رسد نمی‌توان آن را واکنشی رسمی به جرم و انحصاراً توسط دولت دانست و در نتیجه امکان تعیین سیاست جنایی افتراقی و رسیدگی و اتخاذ تصمیم به این گونه از موارد با ضوابطی خاص و با مشارکت نهادهای جامعوی با نهادهای حاکمیتی، آنچنان که در ادامه بیان خواهد شد دور از تصور نمی‌باشد.

۵-۵-۱. ارش (دیه غیرمقدر)

از توضیحاتی که در تعریف دیه ارائه شد معنای ارش نیز مشخص می‌شود. ارش یا دیه غیرمقدر مالی است که برای خسارت‌های وارده بر انسان که میزان آن از سوی شارع تعیین نشده پرداخت می‌شود. ارش در اصل به معنای فساد میان مردم می‌باشد که سپس به فساد در اجناس (مانند ارش در مبیع معیوب) و فساد در اعضای بدن انسان تسری داده شده است (زراعت، ۱۳۸۱، ۵۴). ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف ارش بیان می‌دارد: ارش، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با

می‌تواند برای حفظ نظم عمومی بویژه در مواردی که خسارت بدنی ناشی از تقصیر عمدی باشد علاوه بر الزام واردکننده زیان به پرداخت دیه وی را از طریق ضمانت اجراهای کیفری (حبس، جزای نقدی و...) مجازات نیز بنماید (بادینی، ۱۳۹۲، ۳۳۵) کما اینکه در حقوق موضوعه نیز مقنن در بسیاری از موارد که ایراد خسارت به صورت غیرعمد صورت گرفته لکن عدم رعایت ضوابط و مقررات و به عبارت دیگر تقصیر یا به احتیاطی یا بی‌مبالاتی مرتکب، باعث ورود زیان گردیده، علاوه بر الزام وی به پرداخت دیه، چنین شخصی را به لحاظ عدم رعایت ضوابط و تقصیر عمدی صورت گرفته به منظور حفظ نظم عمومی تعزیر نیز می‌نماید که مصادیق آن را می‌توان در ایراد صدمه بدنی و فوت غیرعمد ناشی از بی‌احتیاطی در امر رانندگی و یا حوادث کار و یا قصورهای پزشکی در قانون مشاهده نمود. به عنوان مثال مقنن در ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی باب تعزیرات برای قتل غیرعمد ناشی از رانندگی علاوه بر پرداخت دیه، شش ماه تا سه سال حبس تعیین کرده است و یا در ماده ۶۱۶ قانون مارالذکر برای قتل غیرعمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات علاوه بر پرداخت دیه، مجازات حبس از یک تا سه سال پیش‌بینی شده است. نکته دیگر اینکه در نظام حقوقی کنونی رسیدگی به پرونده‌های با موضوع دیه در دادگاه‌های حقوقی نیز امکان‌پذیر است و آن در زمانی که رسیدگی کیفری به موضوع مطابق ماده ۱۰۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشمول مرور زمان شده

لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارات وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. در مقام اجرای این ماده نیز در حال حاضر میزان ارش توسط پزشکی قانونی به عنوان کارشناس صالح تعیین می‌گردد. نکته قابل توجه اینکه مقررات دیه مقدر مانند مهلت پرداخت و... در ارش نیز جریان دارد.

اما سؤالی که مطرح است اینکه آیا در نظام حقوقی ایران امکان مطالبه خسارات مازاد بر دیه (اعم از مقدر و غیرمقدر) وجود دارد یا خیر؟ که در ادامه به بیان آن خواهیم پرداخت.

۵-۵-۲. خسارات مازاد بر دیه

در مورد امکان یا عدم امکان مطالبه خسارات مازاد بر دیه در حقوق ایران، آرای متفاوتی وجود دارد. نظریه اول بر عدم امکان مطالبه خسارات مازاد بر دیه قرار گرفته و پرداخت آن را فاقد وجاهت شرعی و قانونی می‌داند. علاوه بر مباحث فقهی مربوطه مهمترین دلیل قائلین این نظریه در بین حقوقدانان، مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ مورخ ۱۳۷۶/۸/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور است که تعیین مبلغ مازاد بر دیه معین شده را با ماده موضوع اختلاف (ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی سابق) مغایر اعلام نموده است. لازم به توضیح است مرحوم کاتوزیان در مورد این رأی می‌گوید: قدر متیقن از این رأی تغایر دو مفهوم ارش جنایت و دیه در قانون مجازات اسلامی است. پس در مواردی که دیه مقدر شده است نمی‌توان

ارش جنایت را بر آن افزود یا بجای دیه ارش خواست. ولی دلالت ندارد که خسارت زاید بر مقدار دیه قابل مطالبه نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۵۹).

البته برخی از آرائی صادره از شعب دیوان عالی کشور و همچنین نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه مانند نظریه شماره ۱۵۳ مورخ ۹۲/۷/۱۳ نیز مؤید این موضوع است. مطابق نظریه مذکور قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون خاص جدید، مخصص عام پیشین یعنی قانون مسئولیت مدنی است و قانون مجازات اسلامی در بخش دیات در حدی که معارض ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی است، آن را تخصیص داده است. در مقابل قائلین نظریه دوم بر این اعتقادند که: قانون‌گذار با تعیین مقطوع دیه میزان حداقل ضرر ناشی از این جرایم را تعیین کرده تا به عنوان مجازات مرتکب و تشفی خاطر قربانی به او داده شود. تعیین این میزان مقطوع دو فایده مهم دارد که مبنای فرض را توجیه می‌کند: ۱- زیان دیده تا میزان دیه نیازی به اثبات ورود خسارت ندارد زیرا در دعاوی مسئولیت مدنی دشوارترین مرحله دادرسی اثبات ورود ضرر است، پس فرض ورود خسارت به مبلغ دیه نیز مانند فرض تقصیر برای مرتکب در چنین مواردی برای زیان دیده مفید است و از تفریط بسیاری از ضررها ناروا جلوگیری می‌کند، ۲- مجازات مرتکب به گونه‌ای قاطع معین می‌شود. اگر ماهیت دوگانه و مختلط دیه پذیرفته شود و بدین نکته توجه باشد که دیه در عین حال که وسیله جبران ضرر است کیفر مجازات قاتل و جراح نیز هست، حکمت تعیین مقدار مقطوع و نوعی برای آن مشخص

می‌شود. پس دلیل واقعی تعیین میزان دیه چهره کیفری این نهاد است نه شمول آن بر تمام خسارات مادی و معنوی (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۵۶)، پس دیه فرض قانونی مربوط به ضرر مسلم در قتل و جرح و اتلاف است و مطالبه و اثبات ضرر بیشتر هیچ تعارضی با صدور حکم بر دیه ندارد. به بیان دیگر صدور حکم به پرداخت دیه بدین معنی نیست که تمام ضرر جبران می‌شود، دیه حکم به جبران ضرر مفروض در قانون است و هیچ مانعی ندارد که مدعی ورود ضرر فرض نشده در دادگاه حقوقی برای مطالبه آن طرح دعوی کند (همان، ۵۷) از میان نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه که مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مازاد بر دیه و ارش را فاقد اشکال قانونی می‌دانند می‌توان به نظریه مشورتی شماره ۳۱۷۰-۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۴ اشاره کرد. قائلین نظر سوم با تمسک به اصل جبران کامل خسارت معتقدند باید خسارات زیان‌دیده به صورت کامل جبران شود و تا حد امکان به وضعیت قبل از وقوع حادثه زیان‌بار برگردانده شود و در پاسخ به این پرسش که آیا مقطوع بودن دیه مغایر اصل جبران کامل خسارت است یا خیر چنین بیان می‌دارند که باید موارد لزوم پرداخت دیه را به دو دسته تقسیم کرد: در مواردی که دیه باید توسط بیت‌المال یا عاقله پرداخت شود، مقطوع بودن دیه مغایر اصل یاد شده نیست، زیرا در این موارد پرداخت دیه مبتنی بر عدالت توزیعی و تعاون و همیاری اجتماعی است و هدف، نه برگرداندن زیان‌دیده به وضعیت قبلی بلکه کاهش آثار ناگوار ضرر از طریق توزیع آن در بین اعضای

جامعه یا گروه خاصی است. در واقع اصل لزوم جبران کامل خسارت جزء اصول حقوق خصوصی است و جبران خسارت از طریق حقوق عمومی از این اصل تبعیت نمی‌کند و در طرح‌های جبران خسارت مبتنی بر حقوق عمومی و تأمین اجتماعی، میزان خسارت قابل پرداخت بستگی به سرمایه و منابعی دارد که با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و گروه‌هایی که ضرر باید در بین آنان توزیع شود، می‌توان به این امر اختصاص داد. اما در مواردی که واردکننده زیان شخصاً مکلف به پرداخت دیه است، چون پرداخت دیه نوعی ضمانت اجرای مدنی و جزء حقوق خصوصی است مقطوع بودن دیه و قابل مطالبه نبودن خسارات مازاد بر آن در صورتی که تمام ضررها را جبران نکنند مغایر اصل جبران کامل خسارت است (بادینی، ۱۳۹۲، ۳۴۰) با همه این تفاسیل در وضعیت فعلی رویه قضایی با تأسی نظریه مشهور در فقه خسارات مازاد بر دیه را قابل مطالبه نمی‌داند.

۵-۶. قانون آیین دادرسی کیفری (از طریق

کمیسیون جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم)

در نظام کیفری فرانسه شخصی که از خسارت و ضرر و زیان ناشی از افعال عمدی یا غیرعمدی که وصف مادی یک جرم را می‌سازد متحمل شده است، می‌تواند جبران کامل خساراتی که باعث صدمه و لطمه به شخص می‌شود را با لحاظ شرایط که در ماده ۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر گردیده، از طریق کمیسیون جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم بدست آورد. این کمیسیون

مطابق قانون جبران خسارت قربانیان جرایم خشونت بار مصوب ۱۹۷۷ تشکیل و خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم را حمایت می‌کند. صلاحیت این کمیسیون که در مرکز هر دادگاه شهرستانی وجود دارد در مواد ۴-۷۰۶ الی ۱۶-۷۰۶ قانون بیان شده است. مطابق قانون یاد شده هر شخصی که متحمل خساراتی ناشی از اعمال مجرمانه عمدی یا غیرعمدی شود می‌تواند ترمیم کامل خساراتی را که مربوط به لطمات علیه اشخاص است بدست آورد. این درخواست باید ظرف مدت سه سال از تاریخ ارتکاب جرم به کمیسیون داده شود اما چنانچه تعقیب متهم شروع شده باشد تا یکسال بعد از صدور حکم دادگاه در جنبه عمومی بزه امکان مراجعه به کمیسیون وجود دارد. نکته قابل توجه این که بزه‌دیده بلافاصله بعد از وقوع جرم می‌تواند مبلغی را به صورت علی‌الحساب از کمیسیون دریافت کند (لپز و فیلیزولا، ۱۳۹۷، ۱۲۰). لازم به ذکر است درخواست غرامت به همراه اسناد توجیه‌کننده آن بلافاصله توسط دفتر کمیسیون جبران خسارت، برای صندوق تضمین بزه‌دیدگان اعمال تروریستی و دیگر جرایم ارسال می‌کند. به طور کلی به منظور جبران خسارات بزه‌دیدگان جرایم دو صندوق تأسیس شده که خسارت‌های مذکور از محل این دو صندوق تأدیه می‌گردد:

الف) صندوق تضمین خسارت ناشی از اعمال تروریستی در سال ۱۹۸۶

ب) صندوق ضمانت قربانیان اعمال تروریستی و سایر جرایم در سال ۱۹۹۰، در سال ۲۰۰۴ در

فرانسه ۱۶۸۷۷ درخواست جبران خسارت توسط صندوق فوق مورد رسیدگی قرار گرفته و غرامات پرداخت گردیده بالغ بر ۲۰۹۵۴۱۶۳۸ یورو اعلام شده است بر اساس ماده ۱-۵-۷۰۶ هنگامی که خسارت در وضعیتی نیست که پرداخت و تسویه گردد و هنگامی که صندوق تضمین حق جبران خسارت را رد نکرده است، می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی، اقدام به پیش‌پرداخت به بزه‌دیده کند. این صندوق در چهارچوب حقوق بزه‌دیده قائم مقام اوست برای اینکه از اشخاص مسئول ضرر و زیان ناشی از جرم، بازپرداخت غرامت یا پیش‌پرداخت داده شده به بزه‌دیده را در حدود مبلغ جبران خسارتی که عهده این اشخاص است مطالبه کند.

۵-۷. کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به

بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار مصوب ۱۹۸۳

این کنوانسیون که به کنوانسیون استراسبورگ معروف است، در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ در شورای اروپا واقع در شهر استراسبورگ فرانسه تصویب شد. شورای اروپا نخستین بار موضوع پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرایم از صندوق عمومی را از اوایل دهه هفتاد مورد بررسی قرار داد؛ این تلاش‌ها در نهایت منجر به ایجاد کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به قربانیان جرایم خشونت ۱۹۸۳ شد. به موجب ماده ۲ این کنوانسیون دولت زمانی به بزه‌دیده غرامت می‌پردازد که جبران کامل خسارت از منابع دیگر امکان‌پذیر نباشد. در نتیجه می‌توان گفت پرداخت غرامت به موجب این کنوانسیون اروپایی، مبتنی بر اصل تکمیلی بودن است یعنی در صورت

فرانسه قربانی اعمال تروریستی واقع شود، صرف‌نظر از ملیت، تابعیت و وضعیت اقامت، از مزایای جبران خسارت بهره‌مند خواهد بود. همچنین شهروندان فرانسوی که خارج از مرزهای این کشور قربانی اعمال تروریستی شوند، مشمول جبران خسارت قرار می‌گیرند (فلاحی، ۱۳۸۹، ۱۲۴).

۵-۹. وضعیت قربانیان حوادث رانندگی (با قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ در خصوص بهبود وضعیت قربانیان حوادث رانندگی و تسریع روند پرداخت غرامت به قربانیان)

قبل از تصویب قانون خاص در این زمینه، نظام حاکم بر موضوع قواعد مسئولیت مدنی و مستند به ماده ۲-۱۳۸ فرانسه بود. تا اینکه قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ در خصوص بهبود وضعیت قربانیان حوادث رانندگی و تسریع روند پرداخت غرامت به قربانیان، وضع گردید. این قانون برای جبران کاستی‌های موجود در زمینه مسئولیت مدنی در ماده ۱۳۸ قانون مدنی وضع گردید. ویژگی این قانون این است که قربانی را قادر ساخت که به نحو احسن و سریع، به جبران خسارت دست پیدا کند. این قانون نظامی مستقل از قانون مدنی برای مسئولیت ایجاد کرد که اصل جبران کامل خسارت را بنا نهاد. به موجب این قانون، در صورت احراز شرایطی، خسارت به طور کامل قابل پرداخت است؛ این شرایط عبارتند از:

- الف) یک تصادف رانندگی به وقوع پیوسته باشد
- ب) شاکی دچار آسیب‌دیدگی شده باشد

فقدان منابع دیگر برای پرداخت غرامت، غرامت از سوی دولت پرداخت می‌شود. این کنوانسیون با تأکید بر پرداخت غرامت دولتی جبران آثار بزه‌دیدگی را تنها به گونه‌ی مادی آن محدود کرده است. واژه غرامت اصولاً بر جبران مادی تأکید کند. ولی از آنجا که این کنوانسیون از آسیب به سلامتی بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار هم نام می‌برد، می‌توان گفت به طور غیرمستقیم به جبران معنوی هم نظر داشته است زیرا سلامتی در بردارنده تمامیت جسمانی، روانی، ذهنی و عاطفی بزه‌دیده است. اما بر اساس این کنوانسیون، دولت‌ها به جبران خسارت مادی بزه‌دیدگان ملزم نشده‌اند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ۱۱۴).

۵-۸. قانون جبران خسارت از جرایم تروریستی

دولت فرانسه، توجه ویژه‌ای به جبران خسارت قربانیان جرایم تروریستی دارد؛ این کشور، پس از تجربه خشونت‌های تروریستی در دهه ۱۹۸۰ قوانین خاصی برای حمایت از قربانیان تروریسم وضع کرده است که از جمله این قوانین، قانون جبران خسارت از جرایم تروریستی در سال ۱۹۸۰ است. در این کشور ماده ۹ قانون مبارزه با تروریسم و سایر جرایم علیه امنیت ملی مصوب ۱۹۸۶ صندوقی را تحت عنوان صندوق تضمین خسارت‌های قربانیان جرایم تروریستی و سایر جرایم ایجاد کرده که خسارت‌های جسمانی و مالی به قربانیان اعمال تروریستی از این محل پرداخت می‌شود. طبق این قانون هر فردی که در خاک

ممکن علاوه بر مرتکب اشخاص دیگری نیز مسئول پرداخت دیه گردند که در ادامه بیان می‌شود.

۵-۱۰-۱-۲. ورثه محکوم‌علیه

هرچند در سایر جرایم در صورت فوت محکوم محکوم‌علیه اجرای حکم موقوف و مرجع قضایی به موجب بند الف ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری موظف به صدور قرار موقوفی اجرا می‌باشد، اما این ضابطه در مواردی که محکوم‌علیه ملزم به پرداخت دیه شده است قابل اعمال نیست زیرا بر اساس ماده ۲۰ قانون یاد شده سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نخواهد بود. از این رو ورثه وی به عنوان قائم مقام قانونی متوفی مطابق قواعد عمومی مکلف به پرداخت دیه خواهند بود. به موجب ماده ۵۳۵ قانون مذکور هرگاه محکوم به دیه فوت نماید، قاضی اجرای احکام در صورت تقاضای محکوم‌له مطابق مقررات مربوط، دیه را از ماترک محکوم‌علیه استیفاء می‌کند.

۵-۱۰-۱-۳. عاقله

در راستای سهل‌گیری بر مرتکب خطاکار ولی بی‌تقصیر و تضمین نوعی تکافل و تعاون اجتماعی و بیمه خانوادگی جهت حصول اطمینان از اینکه کسانی که به طور بالقوه از دیگری مثلاً با ارث بردن از او منتفع می‌شوند در هنگام مسئولیت ناشی از خطاکاری وی نیز به یاریش بشتابند، تأسیس عاقله که در میان اعراب قبل از اسلام وجود داشت در فقه اسلامی امضاء و تأیید شده است. ریشه این واژه عقل است، که هم به معنای دیه می‌باشد و هم به

ج) وسیله نقلیه موتوری بیمه شده درگیر تصادف بوده باشد

د) بین تصادف و آسیب‌دیدگی رابطه سببیت وجود داشته باشد

ه) شخصی که مسئولیت تصادف منتسب به اوست، متصدی یا راننده وسیله نقلیه مربوطه بوده باشد. بنابراین، می‌توان گفت قانون فوق نظامی مبتنی بر مسئولیت مطلق (بدون تقصیر) برقرار کرده است چرا که رفتار راننده یا متصدی وسیله نقلیه، اهمیتی در مسئولیت وی ندارد و به صرف تحقق شرایط فوق، قربانی حق دریافت خسارت دارد (فلاحی، ۱۳۸۹، ۱۲۵).

۵-۱۰. سیاست جنایی تقنینی ایران در

خصوص نحوه جبران خسارت بزه‌دیده در جنایات غیر عمدی

۵-۱۰-۱. مسئول پرداخت دیه

۵-۱۰-۱-۱. شخص مرتکب

اصل شخصی بودن مجازات‌ها یکی از اصول اساسی حقوق کیفری نوین است و امروزه بر خلاف دوران‌ها گذشته، مجازات‌ها به بستگان و نزدیکان مجرم تسری نمی‌یابد بلکه تنها خود اوست که مجازات می‌شود و در صورت فوت وی، دعوی عمومی نیز که هدف آن اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به مرتکب است ساقط می‌شود (خالقی، ۱۳۹۳، ۱۱۶).

با این وصف چنانچه موضوع دادنامه دیه باشد ضوابط دیگری بر موضوع حاکم است تا آنجا که

عهدہ گرفته بود را عاقله محسوب می‌نمود. نکته قابل توجه اینکه اولاً عاقله ضامن جریره شخصی است که در مقابل ارتب بردن از شخصی که وارثی ندارد با انعقاد قرارداد متعهد به پرداخت دیه جنایات او می‌شود. ثانیاً مسئولیت ضامن جریره در جرایم خطایی (غیر عمد) مرتکب است و نه در جنایات عمدی، از این رو نیز مقنن ضامن جریره را نیز عاقله می‌دانست. به هر حال و صرف نظر از عدم اشاره صریح به این موضوع در قانون فعلی، مطابق متون معتبر فقهی انتقال مسئولیت پرداخت دیه از شخص مرتکب با انعقاد قرارداد به ضامن جریره در هیچ یک از جرایم قابل تصور و تحقق نیست و صرفاً در جرایم غیر عمد موجب دیه به عنوان یکی از مصادیق نظر افتراقی شارع بر مسئولیت مرتکب در این قسم از جرایم می‌باشد.

۵-۱۰-۱-۵. شرکت‌های بیمه

شاید بتوان شیوه جدید قرارداد ضامن جریره را در قراردادهای بیمه امروز دانست زیرا در این قراردادها بیمه‌گر در ازای مبلغی که به عنوان حق بیمه از بیمه‌گذار می‌گیرد پرداخت خسارات وارد شده توسط وی را در مواردی (مطابق قرارداد) بر عهدہ می‌گیرد که یکی از این خسارات، دیه به عنوان یک خسارت بدنی است. در واقع بیمه‌زاده مقتضیات و نیازهای زندگی شهرنشینی نوین بشری است. در این نهاد، جمعی که خود را در معرض وقوع حوادث و خسارات می‌بینند برای رهایی از آثار این رویدادهای نامطلوب صندوق مالی‌ای را ایجاد نموده و هر یک از اعضا مبلغی را پرداخت می‌نمایند تا در

معنی منع به کار رفته است، در معنی اول منظور از عاقله پرداخت‌کنندگان دیه و در معنی دوم منظور از آن منع‌کنندگان مجرم از ارتکاب جرم می‌باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۲۵۴). در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواردی مسئولیت پرداخت دیه از عهدہ مرتکب به خویشاوندان وی منتقل می‌گردد که با توجه به اصل کلی شخصی بودن مجازات‌ها می‌توان این انتقال ذمه را جلوه‌ای از سیاست جنایی افتراقی مقنن در جرایم غیر عمد موجب دیه دانست. به عنوان مثال به موجب ماده ۴۶۳ قانون مذکور در جنایات خطای محض که در زیر گروه جرایم غیر عمد قرار می‌گیرد چنانچه جنایت با بینہ یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه با عاقله است. در جرایم خطای محض مادون نفس نیز مطابق ماده ۴۶۷ قانون یاده شده عاقله مسئول پرداخت دیه جنایات بیشتر از موضعه می‌باشد. از موارد دیگری که مسئولیت پرداخت دیه بر عهدہ خویشاوندان مرتکب قرار می‌گیرد زمانی است که مرتکب بزه صغیر و یا مجنون باشد زیرا بر اساس بند ب ماده ۲۹۲ قانون فوق‌الاشعار جنایات این اشخاص نیز خطای محض محسوب می‌شود.

۵-۱۰-۱-۴. ضامن جریره

اگرچه در قانون مجازات فعلی نامی از ضامن جریره در میان پرداخت‌کنندگان دیه به میان نیامده است، اما در قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰) به تبعیت از متون فقهی در تبصره ماده ۳۰۷ کسی که با عقد ضمان جریره دیه جنایات دیگری را بر

۵-۱۰-۱-۶. بیت‌المال

در برخی موارد در جرایم غیر عمد موجب دیه (نفس و مادون) مسئولیت پرداخت دیه با بیت‌المال خواهد بود. حالت اول موضوع ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که مطابق آن: در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی بین دیه نفس و غیر آن نیست. به نظر می‌رسد علت مسئولیت بیت‌المال در جرایم خطایی (غیر عمد) مرتکب آن است که زمانی که شخصی بمیرد و وارثی نداشته باشد امام و حاکم وارث او می‌باشند، لذا پرداخت دیه جرایم خطایی او نیز در صورت نبودن طبقات دیگر عاقله بر عهده بیت‌المال خواهد بود (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۲۶۴). حالت دوم موضوع مواد ۴۷۴ و ۴۷۵ قانون مذکور است بدین توضیح که، در جرایم شبه عمد و خطای محض در مواردی که پرداخت دیه با مرتکب است، اگر به دلیل مرگ یا فرار مرتکب امکان دسترسی به او نباشد و او اموالی نداشته باشد و یا مال او کفایت نکند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۵-۱۰-۱-۷. صندوق تأمین خسارات بدنی

این صندوق توسط بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران اداره می‌گردد و بطور کلی در دو مورد مسئولیت پرداخت خسارت‌های بدنی (دیه) را بر عهده خواهد داشت:

صورت وقوع حادثه و تحمل خسارت توسط هر یک از اعضای این جمع، از محل نقود جمع شده در صندوق، از عضو زیان‌دیده رفع خسارت شود (بابائی، ۱۳۹۰، ۸). تاریخچه بیمه نشان می‌دهد این نهاد برای اولین بار از قرن ۱۵ میلادی در زمینه حمل و نقل دریایی کالا در کشورهای مدیترانه‌ای و مشخصاً در ایتالیا ظهور کرد. در ایران نیز بیمه از سال ۱۳۱۰ با فعالیت شرکت‌های بیمه خارجی آغاز شد و اولین شرکت بیمه ایرانی با نام بیمه ایران با سرمایه دولتی در سال ۱۳۱۴ گردید (همان، ۱۲). معمولاً شرکت‌های بیمه در دو شاخه اشخاص و خسارت فعالیت می‌نمایند که مقصود ما در این نوشتار قسم دوم یعنی خسارات است. هرچند سابقاً با شنیدن نام بیمه حوادث رانندگی و امور مربوط به حمل نقل متبادر به ذهن می‌آمد لکن امروزه خدمات شرکت‌های بیمه به نحوی است که اکثر مشاغل و حرفی که آستان ایجاد خسارت است را در برمی‌گیرد امروزه بیمه نه تنها در حوادث رانندگی و کار و پزشکی و ورزشی مسئولیت پرداخت دیه را از جانب بیمه‌گذار بر عهده می‌گیرند بلکه در خسارت غیربدنی نیز نقش مهمی ایفا می‌نمایند تا بدانجا که دامنه خدمات آنها حرفی مانند وکالت در دعاوی را نیز در بر گرفته است. لکن نکته مشترک قابل توجه در مورد تمام اقسام بیمه آن است که این شرکت‌ها در جرایم غیر عمد موجب (خسارت) دیه می‌توانند بر اساس قرارداد منعقد گردیده به یاری بیمه‌گذار به عنوان مسئول اصلی پرداخت دیه آیند.

است و این مقررات شامل کلیه جنایات اعم از عمدی و غیرعمدی می‌گردد.

۵-۱۰-۱-۸. نحوه پرداخت دیه (اجرای حکم)

ماحصل و نتیجه یک دادرسی عادلانه در اجرای صحیح دادنامه صادره قرار دارد و چنانچه حکم قطعی به صورت کامل اجرا نشود گویا تمام تلاش‌های انجام گرفته به هدر رفته و بدون نتیجه باقی مانده است. اصولاً با قطعیت دادنامه و ارسال پرونده به واحد اجرای احکام کیفری، عملیات اجرای دادنامه بی‌درنگ آغاز می‌گردد، اما چنانچه مجازات از نوع دیه باشد پرداخت آن تابع مقررات و ضوابط خاصی است که آن را از اجرای سایر مجازات‌ها حتی پرداخت جرایم نقدی متمایز می‌نماید.

۵-۱۰-۱-۹. مهلت پرداخت دیه

هرچند در امور کیفری اصل بر اجرای سریع و بدون فوت وقت مجازات‌ها است اما پرداخت خسارت بدنی (دیه) در جنایات تابع احکام دیگری استبه موجب ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است مگر اینکه به نحو دیگر تراضی شده باشد:

الف) در عمد موجب دیه، ظرف یکسال قمری.

ب) در شبه عمد ظرف دو سال قمری.

ج) در خطای محض ظرف سه سال قمری. با این وصف حتی در فرض صدور دادنامه قطعی مادامی که مهلت‌های مقرر شده سپری نگردد امکان الزام

الف: پرداخت خسارت بدنی در حوادث رانندگی: به موجب ماده ۱۰ قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا بطور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه توسط این صندوق پرداخت می‌شود و در مواد ۱۱ و ۱۲ همان قانون هم حمایت‌ها و منابع قابل توجهی برای تأمین مالی صندوق در نظر گرفته شده است.

ب) پرداخت معادل تفاوت دیه در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست: بر اساس قاعده کلی دیه زن نصف دیه مرد می‌باشد لکن از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آنست که مطابق تبصره ماده ۵۵۱ در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. در واقع آنگونه که در نظریات مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۱۰۰ مورخ ۹۲/۶/۶ و ۷/۹۲/۱۱۱۱ مورخ ۹۲/۶/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز تصریح گردیده، قانون‌گذار با وضع این تبصره در مقام گسترش دایره شمول مقررات جبران خسارت‌های بدنی موضوع قانون اصلاح بیمه اجباری بوده و آن را به غیر از حوادث رانندگی نیز تسری داده

۵-۱۰-۱-۱۰. امکان طرح دعوی اعسار

در مرحله پرداخت دیه و اجرای حکم، امکان طرح دعوی اعسار از ناحیه شخص محکوم‌علیه وجود دارد. با این توضیح که مطابق ضوابط مقرر در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ چنانچه محکوم مدعی اعسار از پرداخت دیه باشد می‌تواند با رعایت شرایط قانونی با تقدیم دادخواست اعسار تقاضای صدور حکم بر اعسار مطلق و یا اعسار نسبی خود را نماید که متعاقب تشکیل جلسه دادرسی با تشریفات و ضوابط دادرسی حقوقی، حکم بر رد یا پذیرش اعسار مطلق و یا نسبی پرداخت‌کننده دیه صادر می‌گردد. اما نکته قابل توجه اینکه اولاً چون اعسار امر عارضی محسوب می‌گردد و امکان حدوث آن در هر زمان متصور است لذا رأی صادره در صورت قطعیت اعتبار امر مختومه را نداشته و مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون مذکور هر یک از محکوم‌له یا محکوم‌علیه می‌توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند که دادگاه با عنایت به نرخ تورم بر اساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم‌علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می‌کند. ثانیاً به موجب ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی در صورتی که پرداخت‌کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد.

محکوم‌علیه به پرداخت دیه و توقیف اموال وی و یا اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و حبس محکوم‌علیه نخواهد بود مگر اینکه خودش بخواهد قبل از انقضای این مواعد نسبت به پرداخت دیه اقدام کند که در این صورت مطابق ماده ۵۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قاضی اجرای احکام کیفری ضمن پذیرش، مراتب را به محکوم‌له اعلام می‌کند.

نکته قابل توجه اینکه این مقرر در جنایات غیر عمد بصورت قابل توجهی حقوق بزه‌دیده را تحت تأثیر قرار داده و او را ناگذیر از تحمل دو تا سه سال برای دریافت دیه می‌نماید. هرچند مطابق ماده ۴۸۹ همان قانون در جنایات خطای محض، پرداخت باید ظرف هر سال، یک‌سوم دیه و در شبه عمدی، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد و از این حیث قانون سابق مساعدتر به حال متهم بود و در واقع در این قانون نگاه حمایتی به بزه‌دیده به نسبت قانون سابق که قائل به این تفصیل نشده بود مشهود است و هر چند مادامی که مسئولیت پرداخت بر عهده غیر مرتکب خصوصاً صندوق‌های بیمه قرار می‌گیرد. شرکت‌های بیمه عموماً به منظور جلوگیری از افزایش سنواتی مبلغ دیه، دیه متعلقه را سریعاً پس از قطعیت دادنامه و بدون سپری شدن زمان‌های مذکور پرداخت می‌نمایند. اما بنظر می‌رسد الگوپذیری از روش مورد اجرا در حقوق فرانسه در جبران خسارت بزه‌دیده قبل از رسیدگی به پرونده قضایی بتواند حقوق بزه‌دیده این جرایم را بیش از پیش تأمین و محقق نماید.

۶. نتیجه

هرچند در سال‌های اخیر با افزایش رویکرد مقنن بر حمایت از بزه‌دیده، روش‌های قابل توجهی برای جبران کامل خسارات‌های بدنی در جرایم منجر به ایراد صدمات بدنی اتخاذ شده که نمونه آن در جرایم عمدی از طریق پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن به نسبت مرد توسط صندوق تأمین خسارت بدنی است. اما ماهیت جرایم غیرعمد موجب دیه آنگونه است که ضرورت جبران کامل و سریع خسارت بزه‌دیده در آن را بیشتر از سایر جرایم عمدی خواستار است زیرا پذیرش و ادامه رویه فعلی مبنی بر پرداخت خسارت پس از فرایند زمانبر رسیدگی در محاکم و سپری شدن مواعد قانونی نتیجه‌ای جز تحمیل ضرر و زیان مازاد بر میزان خسارات وارده نسبت به زمان ایراد صدمه (بدلیل افزایش سنواتی میزان دیه) بر مرتکب و همچنین عدم جبران کامل و فوری خسارت بزه‌دیده به دلایل مختلف از جمله عدم توانایی مالی مرتکب در ایفای آن را در پی نخواهد داشت. لذا با توجه به اینکه اولاً مرتکبین این قسم از جرایم در واقع فاقد قصد و سوءنیت مجرمانه در ایراد صدمه به بزه‌دیده هستند. ثانیاً در اکثر این جرایم که در قالب حوادث رانندگی، کار، پزشکی و ورزشی در محاکم مطرح می‌گردند، شرکت‌های بیمه نیز بلحاظ قراردادهای قبلی خود با مرتکب دارای نقش مؤثر و اساسی در فرایند جبران خسارت بزه‌دیده هستند. ثالثاً در حقوق موضوعه و قوانین فعلی مقادیر دیات در زمان ایراد صدمه مشخص و در مواردی هم که میزان خسارت وارده در قالب ارزش قرار می‌گیرد اصولاً

محاسبه آن تابع ضوابطی خاص بوده که در کمتر مواردی اعتراض اصحاب دعوی به نظریه کارشناس (پزشکی قانونی) را به دنبال دارد و به عبارت دیگر نیازمند رسیدگی‌های پیچیده قضایی نمی‌باشد. رابعاً ظرفیت‌های قابل توجهی مانند صندوق تأمین خسارت‌های بدنی با منابع بالای کسب درآمد و تأمین اعتبارات مالی در کشور وجود دارند که می‌توانند پرداخت اولیه خسارت به بزه‌دیده را بر عهده گیرند. لذا می‌توان با تدوین راهبردی مشابه با آنچه در نظام‌های حقوقی برخی از کشورها مانند فرانسه وجود دارد، حداقل قسمت بیشتر جبران خسارات وارده در جرایم غیرعمد را در زمان ورود خسارت توسط نهادی مشابه صندوق تأمین خسارت بدنی پرداخت نمود و جبران خسارت بزه‌دیده را منوط به طرح شکایت و طی فرایند فرسایشی پرونده در محاکم نکرد. بدیهی است تحقق این امر نیازمند تدوین سیاست جنایی افتراقی در جرایم غیرعمد موجب دیه است.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله با همکاری و براساس خرد جمعی نسبت به نگارش مقاله اقدام نموده‌اند.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- رایجیان اصلی، مهرداد، «مطالعه تطبیقی اصل قانونمندی حقوق جنایی و قاعده‌های آن در ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دوم، شماره دو، ۱۳۹۰.
- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱.
- زینالی، امیر حمزه، مقدسی، محمد باقر، «رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری»، مجله آموزه‌های کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره پنج، ۱۳۹۲.
- فرجیها، محمد، بازیار، محمد، «جبران دولتی خسارات بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، دوره دوم، شماره دو، ۱۳۹۰.
- فرهمند، مجتبی، جلوه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- فلاحی، ابوالقاسم، مطالعه تطبیقی جبران خسارت زیان‌دیدگان جرم توسط دولت در حقوق ایران و فرانسه، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۹.
- قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد هفتم، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۱۲.
- آشوری، محمد، خدادی، ابوالقاسم، «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند آیین دادرسی کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره بیست، ۱۳۹۰.
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی، ۱۳۷۵.
- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولک، برنا، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- ایروانی، باقر، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، جلد سوم، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۷.
- بابائی، ایرج، حقوق بیمه، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیث)، جلد شانزدهم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۸.
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، تکملة المنهاج، چاپ بیست و هشتم، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰.

- کابلی، محمد اسحاق فیاض، رساله توضیح المسائل (فیاض)، چاپ اول، قم، انتشارات مجلسی، ۱۴۲۶.
- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- لپز، ژار، فیلیزولا، ژینا، بزهدیده و بزهدیده‌شناسی، ترجمه روح الدین کردعلیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد چهل و سوم، چاپ هفتم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بیکی، هاشم، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.